

بسم الله الرحمن الرحيم

تاریخ: ۱۳۹۸/۰۳/۰۳

موضوع: رسیدن به معرفت خداوند در گرو رسیدن به معرفت امام

(سخنرانی شب نوزدهم رمضان، آستان مقدس امامزاده ابراهیم)

فهرست مطالب این سخنرانی

جایگاه و اهمیت شب قدر

همت بالای پیرزن بنی اسرائیلی

وقتی پیامبر اسلام خداوند را به آبروی علی قسم می دهد

روایتی که مبلّغ پنجاه ساله وهابیون را شیعه کرد!

جلوی از جلوه های معرفت امام زمان (سلام الله علیه)

راوی که توفیق شد در رختخواب اختصاصی امام رضا بخوابد!

وقتی امام صادق (سلام الله علیه) از اسرار درونی ابوبصیر خبر می دهد

راه میان بر برای معرفت امام

ذکر مصیبت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه)

مراسم معنوی قرآن به سر گرفتن

اعوذ بالله من الشيطان الرجيم بسم الله الرحمن الرحيم لا حول و لا قوة إلا بالله العلي العظيم حسبنا الله و نعم الوكيل نعم المولى و نعم النصير.

توكلت على الحى الذى لا يموت و استعنت بذى العزة و القدرة و الجبروت ثم الصلاة و السلام على سيدنا و سيد الأولين و الآخرين حبيبنا و حبيب إله العالمين الذى سمى فى السماء بأحمد و فى الأرض بأبا القاسم محمد (صلى الله عليه و آله و سلم)

و على أهل بيته الطيبين الطاهرين المعصومين المنتجبين المكرمين لا سيما مولانا و سيدنا حجة بن الحسن روحى و أرواح العالمين لتراب مقدمه الفداء. الحمد لله الذى هدانا لهذا و ما كنا لنهتدى لولا أن هدانا الله

خدا را بر تمام نعمت‌هایش به ویژه نعمت ولایت سپاس می‌گوییم. فرارسیدن ایام شهادت جانسوز و مظلومانه مولى الموحدين يعسوب الدين أبو الائمة اميرالمؤمنين را به پیشگاه مقدس فرزند بزرگوارش حضرت بقیة الله الأعظم (ارواحنا فداء) و همه علاقه‌مندان به اهل بیت عصمت و طهارت و شما گرامیان تسلیت و تعزیت عرض می‌کنم.

خدا را به آبروی امیرالمؤمنین و ولایت و غربت و مظلومیت و فرق شکافته علی سوگند می‌دهم پاداش ما را در این مصائب جانکاه، فرج مولایمان حضرت ولی عصر قرار بدهد، ان شاءالله. از خداوند متعال می‌خواهیم بر سر ما منت بگذارد و همه ما را از سربازان خاص مولایمان حضرت ولی عصر و از خواص آن حضرت و شهدای رکابش قرار بدهد.

امشب در این محفل نورانی و کنار بارگاه نورانی امامزاده هاشم از فرزندان حضرت موسی بن جعفر، مطالبی را به صورت فهرست‌وار تا آن مقدار که می‌رسیم در جمع شما و نیز عزیزانی که از طریق فضای مجازی در مکان‌های مختلف و کشورهای اروپایی و آمریکایی برنامه را به صورت زنده مشاهده می‌کنند، تقدیم می‌کنیم و الباقی عرایض ما نیز شب بیست و یکم در مصلى ادامه خواهد داشت.

## جایگاه و اهمیت شب قدر

موضوع اول بحث "شب قدر" است. امشب اولین شب از شب‌های قدر است. امام صادق (علیه السلام) فرمودند:

«وَقَلْبُ شَهْرِ رَمَضَانَ لَيْلَةُ الْقَدْرِ»

شب قدر، قلب ماه رمضان است.

الكافی، نویسنده: کلینی، محمد بن یعقوب، محقق / مصحح: غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد، ج ۴،

ص ۶۶، ح ۱

ارزش یک انسان به قلب اوست و تمام فعالیت بدن بستگی به تپش قلب دارد. بنابراین از شب قدر به قلب ماه رمضان تعبیر می‌شود.

اولین شب، شب نوزدهم است که شب نوشتن مقدرات یک ساله ماست. روزی‌های ما، نعمت‌هایی که قرار است به ما برسد، مصائبی که قرار است بر اثر گناه در طول سال به ما اصابت کند و هرآنچه قرار است در طول سال با او مواجه شویم امشب رقم می‌خورد.

این عوامل بستگی به این دارد که ما امشب چکار کنیم و ارتباطمان را با خدا و مولایمان حضرت ولی عصر چگونه برقرار کنیم، بستگی دارد که ما امشب چه اعمالی انجام دهیم که بتوانیم بر سرنوشتمان تأثیرگذار باشیم. به نظر من امشب بهترین عمل و بهترین کار استغفار است، زیرا خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید:

(وَمَا أَصَابَكُمْ مِنْ مُصِيبَةٍ فَبِمَا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ وَيُغْفُوا عَنْ كَثِيرٍ)

هر مصیبتی به شما رسد به خاطر اعمالی است که انجام داده‌اید، و بسیاری را نیز عفو می‌کند.

## سوره شوری (۴۲): آیه ۳۰

نعمت را همه دوست داریم. آنچه برای ما قابل تحمل نیست یا سخت است، بلاها و مصیبت‌هایی است که ما در اثر اعمال خودمان با او مواجه هستیم. هرچه به ما می‌رسد، محصول عملکرد ماست.

اگر امشب رابطه خود را با خدا، امیرالمؤمنین، حضرت صدیقه طاهره و حضرت ولی عصر خوب کنیم، این ارتباط آثار زیادی در اعمال ما خواهد داشت.

من همیشه در صحبت‌هایم می‌گویم که هرکسی به یکی از معصومین عشق دارد. یک نفر به امیرالمؤمنین عشق دارد و می‌خواهد با او عشق کند، دیگری به حضرت فاطمه زهرا یا امام حسین عشق دارد، یکی به قمر بنی هاشم و دیگری به حضرت علی اصغر عشق دارد.

بستگی دارد که هرکسی روح و قلبش به کجا می‌رود. تلاش کنید این رابطه را در طول سال حفظ کنید. استغفار کنید و از خداوند عالم بخواهید از سر تقصیرات ما بگذرد.

دوستانی که بحث‌های ما را دیدند می‌دانند که همیشه می‌گویم: ما باید همت مان خیلی بالا باشد. از خداوند درخواست نکنیم که تنها گناهانمان را ببخشد، بلکه فراتر از بخشش از خداوند متعال بخواهیم. خداوند عالم در قرآن کریم می‌فرماید:

(مَنْ تَابَ وَ آمَنَ وَ عَمِلَ عَمَلًا صَالِحًا فَأُولَئِكَ يُبَدِّلُ اللَّهُ سَيِّئَاتِهِمْ حَسَنَاتٍ )

هر کس توبه کند و ایمان بیاورد و عمل صالح انجام دهد، خداوند گناهان این گروه را به حسنات تبدیل می‌کند.

## سوره فرقان (۲۵): آیه ۷۰

وجود مقدس امام زین العابدین (سلام الله علیه) در دعای خود دارند:

## يا مُبَدِّلَ السَّيِّئَاتِ بِأَضْعَافِهَا مِنَ الْحَسَنَاتِ إِنَّكَ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ

الصحيفة السجادية، ص: ٣٤ (دعای دوم؛ وَ كَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ بَعْدَ هَذَا التَّحْمِيدِ فِي الصَّلَاةِ عَلَيَّ

رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ)

اگر رابطه ما با خداوند رابطه خوبی باشد نه تنها خداوند گناهانمان را می‌بخشد، بلکه آن‌ها را به چندین برابر حسنه مبدل می‌کند.

اگر مرتکب غیبت، دروغ یا گناهان دیگر شدیم و توبه کردیم، یک مرتبه می‌بینیم که خداوند عالم گناه دروغ ما را به چندین هزار رکعت نماز مبدل کرد. از کرم خدا بعید نیست، زیرا وعده خود اوست. ما باید در این شب‌ها همت را بالا ببریم.

### همت بالای پیرزن بنی اسرائیلی

من مثال می‌زنم قضیه مرد عربی که پیغمبر اکرم در بیابان مهمان او شد. او آنچه داشت اعم از یک گوسفند یا بز را ذبح کرد و از حضرت پذیرایی کرد. پیغمبر اکرم فرمود: وقتی به مدینه آمدی نزد من بیا تا خوبی تو را جبران کنم.

مرد روزی به مدینه خدمت حضرت آمد. حضرت فرمود: چه می‌خواهی؟ هرچه می‌خواهی از من بخواه. حساب کنید رسول گرامی اسلام اشرف خلائق است و دستور می‌دهد هرچه دوست داری از من بخواه.

او عرضه داشت: یا رسول الله! صد رأس گوسفند و پنجاه بز و ده شتر می‌خواهم. پیغمبر اکرم تقاضای او را اجابت کرد و او اموال خود را گرفت و رفت.

پیغمبر اکرم بسیار تأسف خورد و ناراحت شد. عزیزان به این نکته دقت کنند، زیرا می‌خواهم وارد بحث دیگر شوم. حضرت فرمود: ای کاش این مرد عرب به اندازه آن پیرزن بنی اسرائیل همت داشت. اطرافیان عرضه داشتند: یا رسول الله! قضیه چیست؟

حضرت فرمود: حضرت موسی به دنبال قبر حضرت یوسف می‌گشت. به حضرت خبر دادند که پیرزنی در فلان روستاست که مکان قبر حضرت یوسف را بلد است.

پیرزن را پیدا کردند و نزد حضرت موسی آوردند و حضرت از او پرسید: آیا تو قبر حضرت یوسف را بلد هستی؟ او گفت: بله. حضرت پرسید: آیا قبر را به ما نشان می‌دهی؟ پیرزن گفت: نه. حضرت پرسید: چرا به ما نشان نمی‌دهی؟

پیرزن گفت: یا موسی! من از شما سه خواهش دارم. اگر سه خواهش من برآورده شود قبر حضرت یوسف را به تو نشان می‌دهم، در غیر این صورت همکاری نخواهم کرد.

حاجت اول من این است که از خدا بخواهی مرا که یک پیرزن ۱۲۰ ساله هستم به یک دختر جوان ۱۵ ساله تبدیل کند. حضرت موسی قبول کرد.

حاجت دوم من این است که می‌خواهم همسر پیغمبر اولوالعزم همانند حضرت موسی شوم. حضرت خواسته دوم او را اجابت کرد و او را به عقد خود درآورد.

حاجت سوم من این است که می‌خواهم در بهشت هم همنشین و همسر تو باشم. حضرت موسی خواسته سوم او را هم اجابت کرد.

رسول گرامی اسلام فرمود: ای کاش این مرد عرب به اندازه این پیرزن همت داشت. وقتی که من گفتم: هرچه می‌خواهی بخواه، او باید چیزی می‌خواست که سعادت دنیا و آخرتش را تضمین کند.

دوستان عزیز امشب که در خانه خدا می‌روید همت‌ها را بالا ببرید. خدایی که ملکوت آسمان و زمین در دست اوست،

**(مَالِكِ الْمُلْكِ تُؤْتِي الْمُلْكَ مَنْ تَشَاءُ وَ تَنْزِعُ الْمُلْكَ مِمَّنْ تَشَاءُ وَ تَعِزُّ مَنْ تَشَاءُ وَ تُذِلُّ مَنْ تَشَاءُ)**

مالک حکومت‌ها تویی، به هر کس خواهی، حکومت می‌بخشی، و از هر کس خواهی، حکومت را می‌گیری، هر کس را خواهی، عزت می‌دهی، و هر که را خواهی خوار می‌کنی.

**سوره آل عمران (۳): آیه ۲۶**

عزت دست اوست، ذلت دست اوست، ملک و ملکوت مال اوست، تفضلات دست اوست.

**(تُؤْتِي الْمُلْكَ مَنْ تَشَاءُ)**

امشب همت‌ها را بالا ببرید و حاجات کوچک نخواهید. در رأس حوائج فرج حضرت ولی عصر، رفع گرفتاری مسلمین، بخشش گناهان را قرار بدهیم و از خداوند بخواهیم اولاً گناهانمان را ببخشد و به چندین برابر حسنه مبدل کند، در آخر هر حاجتی دارید خودتان می‌دانید.

**وقتی پیامبر اسلام خداوند را به آبروی علی قسم می‌دهد**

امشب متعلق به حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) است، همو که وقتی از رسول گرامی اسلام تقاضا می‌کند: یا رسول الله! برای من دعا کنید؛ پیغمبر اکرم دست خود را بالا می‌برد و می‌فرماید: خدایا! به آبروی علی حاجت علی را بده!

«عباس» عموی پیغمبر اکرم و دیگر صحابه که در جلسه حضور داشتند، عرضه داشتند: یا رسول الله! این چه دعایی بود کردید؟ زیرا آن‌ها به امیرالمؤمنین به عنوان یک فرد عادی نگاه می‌کردند. حضرت فرمود: من نگاه کردم و در درگاه الهی عزیزتر، محبوب‌تر و گرامی‌تر از علی ندیدم. بنابراین خدا را به آبروی علی قسم دادم!

«اللَّهُمَّ بِحَقِّ عَلِيٍّ عِنْدَكَ إِغْفِرْ لِعَلِيٍّ! فَقُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ (ص)! مَا هَذَا الدُّعَاءُ؟ فَقَالَ: أَوْ أَحَدًا أَكْرَمُ مِنْكَ عَلَيْهِ فَاسْتَشْفِعُ بِهِ إِلَيْهِ»

شرح نهج البلاغة، ابن أبي الحديد، عبد الحميد بن هبه الله؛ محقق / مصحح: ابراهيم، محمد ابوالفضل؛  
ناشر: مكتبة آية الله المرعشي النجفي، قم: ۱۴۰۴ ق؛ ج ۲۰، ص: ۳۱۶

بنابراین درب خانه امیرالمؤمنین و فرزند بزرگوارش حضرت حجة بن الحسن برویم. یکی از بزرگترین وظایف ما که می‌تواند رابطه ما را با امیرالمؤمنین به رابطه‌ای ناگسستنی تبدیل کند، معرفت و شناخت ما به مقام امامت است.

عزیزان خوب دقت کنند آنچه در بازار خرید الهی و بازار خرید اهل بیت مشتری دارد، معرفت و شناخت است.

روزی پیغمبر اکرم به صحابه فرمود: بافضیلت‌ترین انسان کیست؟ شخصی گفت: کسی که زیاد نماز می‌خواند. حضرت فرمود: خیر. شخص دیگر گفت: کسی که بیشتر روزه می‌گیرد. حضرت فرمود: خیر.

شخص دیگر گفت: کسی که زیاد در راه خدا انفاق می‌کند. حضرت فرمود: خیر! افراد دیگر گفتند: آن کسی که زیاد جهاد رفته است، حضرت فرمود: خیر. مردم عرضه داشتند: یا رسول الله! پس بافضیلت‌ترین انسان کیست؟ فرمود:

«أَفْضَلُكُمْ إِيمَانًا أَفْضَلُكُمْ مَعْرِفَةً»

هرکسی که ایمان و معرفتش بالا باشد، مقام و منزلتش هم بالاتر است.

بحار الأنوار، نویسنده: مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، محقق / مصحح: جمعی از محققان، ج ۳، ص



همه چیز بستگی به معرفت دارد. در میان بنی اسرائیل عابدی بود که شبانه روز عبادت می‌کرد. ملائکه به خداوند عرضه داشت: خدایا! این بنده تو شبانه روز مشغول عبادت است و این همه سختی می‌کشد، اما در بارگاه تو مقامی برای او نمی‌بینیم.

حضرت فرمود: بروید کمی با او حرف بزنید تا قضیه برایتان روشن شود. ملائکه نزد عابد آمدند و مقداری با او حرف زدند و از او پرسیدند: بالاترین آرزوی تو چیست؟

عابد گفت: من در اینجا مشغول عبادت هستم که این همه کاه و یونجه و علف در اینجا وجود دارد. ای کاش الاغ خداوند در اینجا بود که من او را می‌چراندم تا از این علف‌ها یک شکم سیر بخورد. ملائکه به هم نگاه کردند و دیدند که معرفت این شخص نسبت به خداوند یک خدای الاغ‌سوار است.

توحید این شخص درست همانند توحید وهابیت است که معتقدند خداوند هر شب نصف شب سوار الاغ می‌شود و به آسمان دنیا می‌آید و همانند سبزی‌فروش‌ها فریاد می‌زند هر کسی گناهی کرده استغفار کند تا او را ببخشم؛ حاجتی دارد بخواهد تا اجابت کنم و حاجت بندگان را بدهم. وقتی که زمان طلوع فجر می‌شود، سوار بر الاغ می‌شود و بالا می‌رود!!

یکی از دوستان می‌گفت: انسانی که عقل داشته باشد، آیا چنین عقیده‌ای پیدا می‌کند؟ من گفتم: اگر انسان عقل داشته باشد که وهابی نمی‌شود. او حتماً عقل ندارد که وهابی شده است! به قول معروف به شتر گفتند: گردنت کج است. او گفت: کجایم راست است؟!

### روایتی که مُبَلِّغ پنجاه ساله وهابیون را شیعه کرد!

یکی از دانشمندان بزرگ سوریه می‌گفت: من پنجاه سال مبلغ اهل سنت و سلفیون بودم؛ یک روایت در کتاب «صحيح بخاری» باعث تشیع من شد و من شیعه شدم. عده‌ای از او در مورد روایت سؤال کردند.

او گفت: روایت صحیح بخاری می‌گوید که خداوند عالم وقتی از بالا با الاغ پایین می‌آید، تا طلوع فجر در آسمان دنیا هست. وقتی که سپیده دمید، خداوند سوار الاغ می‌شود و بالا می‌رود.

آخر این خدا تنها خدای خاورمیانه نیست، خدای اروپا و آمریکا و قاره‌های دیگر هم هست. خداوند منتظر است تا فجر شود، کره زمین هم که کروی شکل است و در هر لحظه از لحظات شبانه روز یک جای کره زمین طلوع فجر است. اگر خداوند با الاغ در کره زمین بیاید، دیگر تا ابد در کره زمین زندانی می‌شود و نمی‌تواند بالا برود. خداوند دائماً منتظر طلوع فجر است و کره زمین همینطور در حال چرخش است و در هر لحظه از لحظات شبانه روز که تصور کنید یک جا طلوع فجر است.

او می‌گوید: من فهمیدم که این روایات، روایات ساختگی است و نتیجه دور افتادن از اهل بیت است. بنابراین به سراغ اهل بیت آمدم و دیدم که در روایات اهل بیت از این خرافات و روایات‌های مسخره خبری نیست.

### جلوی از جلوه‌های معرفت امام زمان (سلام الله علیه)

یکی از مسائلی که ما باید در رابطه با اهل بیت و امیرالمؤمنین داشته باشیم، این است که معرفت‌مان را بالا ببریم. روایات متعدد در این زمینه داریم.

### « مَنْ مَاتَ وَ لَمْ يَعْرِفْ إِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مِثْلَ جَاهِلِيَّةٍ »

هرکسی بمیرد در حالی که نسبت به امام زمانش معرفت نداشته باشد، به مرگ جاهلیت از دنیا رفته است.

کمال الدین و تمام النعمة، ابن بابویه، محمد بن علی، محقق / مصحح: غفاری، علی اکبر، ناشر: اسلامیه،

تهران، سال چاپ: ۱۳۹۵ ق، ج ۲، ص: ۴۰۹، ح ۹

در این روایت بیان نشده که هرکسی امام نداشته باشد به مرگ جاهلیت از دنیا رفته است، بلکه می‌فرماید هرکسی معرفت به امام نداشته باشد به مرگ جاهلیت از دنیا رفته است.

در رابطه با معرفت به امام حرف زیاد است. شاید اگر بخواهیم حق مطلب را ادا کنیم، ده، پانزده جلسه هم وقت نیاز باشد و کم بیاید. من چند نکته را در رابطه با معرفت امام اشاره می‌کنم.

یکی از جلوه‌های معرفت امام این است که ما احساس کنیم ائمه اطهار (علیهم السلام) حجج الهی و واسطه فیض میان ما و خداوند عالم هستند و هرآنچه به ما از خداوند عالم می‌رسد، توسط اهلبیت است. نفس کشیدن ما هم به برکت اهلبیت و حضرت صاحب الزمان (ارواحنا فداه) است. همانطور که در مورد آن بزرگوار وارد شده است:

«بِیْمْنِهِ رُزِقَ الْوَرَى وَ بِوُجُودِهِ تَبَتَّتِ الْأَرْضُ وَ السَّمَاءُ»

زاد المعاد- مفتاح الجنان، نویسنده: مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، محقق / مصحح: اعلمی،

علاءالدین، ص ۴۲۳، باب دعاء العدیلة الکبیر

بنده از عزیزان تقاضا دارم مقداری روی این قضیه تأمل کنند و همچنین از جوانان عزیز تقاضا دارم کتاب‌های مختلفی که در این زمینه نوشته شده است مخصوصاً کتاب «اصول کافی» باب «کتاب الحجة» را مطالعه کنند که روایات بسیار زیبایی در معرفت امام دارد.

«مرحوم صفار» کتابی تحت عنوان «بصائر الدرجات» دارد که روایات بسیار خوب و شیرینی در باب معرفت امام دارد. «مرحوم شیخ صدوق» کتابی به نام «کمال الدین» دارد که عمدتاً در محوریت حضرت مهدی نوشته شده است و روایات خوبی در رابطه با معرفت امام دارد.

«شیخ طوسی» کتابی به نام «الغیبة» دارد که در این زمینه خوب کار شده است. کتاب «کفایة الأثر» اثر «مرحوم خزاز» کتاب دیگری است که در این زمینه سنگ تمام گذاشته است.

من به یک نکته از جلوه‌های معرفت امام اشاره کنم و بیش از این شما را خسته نکنم. یکی از جلوه‌های معرفت امام این است که ائمه اطهار (علیهم السلام) به اذن الله تبارک و تعالی از تمام اعمال و کردار قلبی و غیبی ما باخبر هستند.

دوستان اسم کتاب «بحار الانوار» را شنیده‌اند. این کتاب یکی از کتاب‌های بزرگ شیعه است و علامه مجلسی (رضوان الله تعالی علیه) آن را در صد و ده جلد نوشته است. جلد پنجاه و یکم و پنجاه و دوم و پنجاه و سوم این کتاب مخصوص روایات حضرت مهدی است.

در جلد پنجاه و سه صفحه ۱۷۴ توقیعی از حضرت ولی عصر به «شیخ مفید» (رضوان الله تعالی علیه) آمده است که توقیع مفصلی است، اما در یکی از فرازهای این توقیع نکته ظریفی دارد. حضرت می‌فرماید:

**«فَأِنَّا يَجِيْتُ عَلْمُنَا بِأَنْبَاءِكُمْ»**

به شیعیان بگویند که ما به همه اعمال شما احاطه علمی داریم.

**«وَلَا يَغْرُبُ عَنَّا شَيْءٌ مِّنْ أَخْبَارِكُمْ»**

و چیزی از شما بر ما پوشیده نیست.

بحار الأنوار، نویسنده: مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، محقق / مصحح: جمعی از محققان، ج ۵۳،

ص ۱۷۵، ح ۷

این روایت متعلق به مولایمان حضرت ولی عصر است. اگر واقعاً معرفت ما نسبت به امام این چنین باشد که بدانیم آنچه از ما سر می‌زند چه در ظاهر و چه در باطن و حتی آنچه از ذهن ما هم می‌گذرد امام معصوم به اذن الله از او باخبر است، اعمال خود را اصلاح می‌کنیم.

### راوی که توفیق شد در رختخواب اختصاصی امام رضا بخوابد!

من قضیه‌ای را خدمت شما عرض کنم. «احمد بن ابی نصر بزنتی» از روات خاص امام رضا و امام جواد است. او ابتدا مسیحی و نصرانی بود، سپس شیعه شد و جزو مقربترین صحابه این دو معصوم قرار گرفت و اواخر عمر امام کاظم را هم درک کرده است.

او به تعبیر ما حوزوی‌ها جزو «اصحاب اجماع» و «مشایخ الثقات» است، به طوری که اگر سند یک روایت به «احمد بن ابی نصر بزنتی» برسد، می‌گویند بعد از آن همه ثقه هستند زیرا او «لا یروون و لا یرسلون الا عمّن یوثق به»!

او می‌گوید: ما با تعدادی از دوستان خود از جمله «ابن ابی عمیر» و «صفوان» و دیگران خدمت امام رضا رسیده بودیم و همگی سؤالاتی داشتیم. سؤالات آن‌ها تمام شد و رفتند، اما سؤالات من از محضر امام رضا زیاد بود و طول کشید.

نصف شب شد، من خواستم بروم، امام رضا فرمود: «احمد بن ابی نصر» امشب را در منزل ما بمان. الآن هوا تاریک است. داستان مفصلی دارد و «مرحوم کشی» در کتاب «رجال» خود شرح حال این داستان را مفصل آورده است.

او می‌گوید: حضرت به ما تعارف کرد و ما هم از خدا خواسته قبول کردیم. حضرت به غلام خود دستور داد در همان اتاقی که من هرشب می‌خوابم و رختخوابی که هرشب در آن می‌خوابم را پهن کنید تا آقای «بزنطی» در آنجا استراحت کند.

او می‌گوید: وقتی که این جمله را از امام شنیدم، احساس کردم که در ملکوت پرواز می‌کنم. داخل اتاق رفتم و با خود گفتم که خدا امشب چه سعادت را نصیب من کرده است که در منزل امام زمان و اتاق اختصاصی امام زمان و رختخواب اختصاصی امام زمان خوابیدم.

در تاریکی وقتی نعمت الهی به ذهنم رسید، سریع به سجده رفتم و خدا را شکر کردم. سپس دیدم امام وارد اتاق شدند و فرمودند: آقای «احمد بن ابی نصر بزنطی» بودن در خانه امام و خوابیدن در اتاق و رختخواب اختصاصی امام فضیلت نیست، بلکه فضیلت به تقواست!

جدم علی به عیادت «صعصعة بن صوحان» رفتند. وقتی که حضرت می‌خواستند بلند شوند، فرمودند: صعصعة! آمدن من باعث نشود تا نسبت به دیگران فخر فروشی کنی.

**(إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ)**

گرامی‌ترین شما نزد خداوند با تقواترین شماست.

**سوره حجرات (۴۹): آیه ۱۳**

«احمد بن ابی نصر» می‌گوید: همین که این مطلب از ذهنم گذشت، دیدم امام رضا اطلاع پیدا کردند.

**وقتی امام صادق (سلام الله علیه) از اسرار درونی ابوبصیر خبر می‌دهد**

«ابو بصیر اسدی» یکی از روای خاص امام باقر و امام صادق (علیه السلام) هست که می‌گوید: ما از کوفه با تعدادی از افراد به مدینه خدمت امام صادق رفته بودیم.

شب بر من غسل جنابت لازم شد و صبح قبل از اینکه غسل کنم دیدم دوستانم راهی ملاقات با امام هستند لذا با دوستانم راهی شدم. وقتی که نشستیم امام فرمود: «ابو بصیر» مگر نمی‌دانی که با حالت جنابت نباید خدمت امام معصوم رسید! «ابو بصیر» می‌گوید: من سرم را پایین انداختم و داشتم از خجالت می‌مردم.

«و رَوَى أَبُو بَصِيرٍ قَالَ دَخَلْتُ الْمَدِينَةَ وَ كَانَتْ مَعِيَ جُؤَيْرِيَّةٌ لِي فَأَصَبْتُ مِنْهَا ثُمَّ خَرَجْتُ إِلَى الْحَمَامِ فَلَقَيْتُ أَصْحَابَنَا الشَّيْعَةَ وَ هُمْ مُتَوَجِّهُونَ إِلَى جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ ع فَخِفْتُ أَنْ يَسْبِقُونِي وَ يَفُوتَنِي الدُّخُولُ إِلَيْهِ فَمَشَيْتُ مَعَهُمْ حَتَّى دَخَلْتُ الدَّارَ فَلَمَّا مَثَلْتُ بَيْنَ يَدَيْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع نَظَرَ إِلَيَّ ثُمَّ قَالَ يَا أَبَا بَصِيرٍ أَمَا عَلِمْتَ أَنَّ يُبُوتَ الْأَنْبِيَاءَ وَ أَوْلَادِ الْأَنْبِيَاءِ لَا يَدْخُلُهَا الْجُنُبُ فَاسْتَحْيَيْتُ وَ قُلْتُ لَهُ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ إِنَّي لَقَيْتُ أَصْحَابَنَا فَخَشَيْتُ أَنْ يَفُوتَنِي الدُّخُولُ مَعَهُمْ وَ لَنْ أَعُودَ إِلَى مِثْلِهَا وَ خَرَجْتُ»

الإرشاد في معرفة حجج الله على العباد، مفيد، محمد بن محمد، محقق / مصحح: مؤسسة آل البيت عليهم

السلام؛ ج ۲، ص: ۱۸۵

همین آقای «ابو بصیر» قضیه بسیار شیرینی دارد. خود او تعریف می‌کند و می‌گوید: من در کوفه برای خانم‌ها جلسه آموزش قرآن داشتم. روزی با یکی از شاگردانم شوخی کردم، غافل از آنکه شوخی با زن نامحرم، آنهم زن مجرد یک سری عواقبی دارد. وقتی خدمت امام باقر رسیدم، حضرت فرمود: «ابو بصیر» چرا با یک زن نامحرم شوخی کردی؟ این دور از تقواست!

«عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ: كُنْتُ أُفْرِجُ امْرَأَةً كُنْتُ أَعْلَمُهَا الْقُرْآنَ فَمَا زَحْنُهَا بِشَيْءٍ فَقَدِمْتُ عَلَى أَبِي جَعْفَرٍ ع فَقَالَ لِي أَيُّ شَيْءٍ قُلْتَ لِلْمَرْأَةِ (فَعَطَّيْتُ وَجْهِي) فَقَالَ لَا تَعُودَنَّ إِلَيْهَا.»

ابو بصیر می‌گوید: به زنی قرآن می‌آموختم. روزی با وی شوخی کردم. وقتی خدمت امام باقر (علیه السلام) رسیدم، گفتند چه چیزی به آن زن گفتم، (روی خود را پوشاندم) و فرمودند: «دیگر این کار را

تکرار نکن»

دوستان عزیز! دقت کنید که ائمه اطهار (علیهم السلام) نسبت به همه اعمال ما کاملاً نظارت دارند.

در روایتی از امام صادق وارد شده است: پیغمبر اکرم را از خودتان رنجیده نکنید. ما عرض کردیم: یابن رسول الله! چطور پیغمبر را از خودمان رنجیده نکنیم؟ حضرت فرمود: وقتی که شما گناه می‌کنید و نبی گرامی اسلام اعمال شما را می‌بیند و ملاحظه می‌کند که شما گناه کردید، گناه شما باعث رنجش قلب پیغمبر اکرم می‌شود.

عزیزان قضیه بسیار فراتر از این است که ما تصور می‌کنیم لذا بحث معرفت امام چیزی است که ما ان شاءالله باید در این شب‌ها به سراغ او برویم و تلاش کنیم آن منزلت و مقام و معرفت خود را نسبت به امام بالا ببریم.

امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید روزی امام حسین (علیه السلام) در خطبه ای به اصحاب خود فرمودند:

«أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ اللَّهَ جَلَّ ذِكْرُهُ مَا خَلَقَ الْعِبَادَ إِلَّا لِيَعْرِفُوهُ فَإِذَا عَرَفُوهُ عَبْدُوهُ فَإِذَا عَبْدُوهُ اسْتَعْنُوا بِعِبَادَتِهِ عَنْ

عِبَادَةٍ مِّنْ سِوَاهُ.

ای مردم! بدرستی که خداوند خلق خود را نیافریده است، مگر از برای آنکه به او معرفت و شناسائی پیدا کنند. پس زمانی که او را بشناسند، در مقام بندگی و عبودیت او برمی‌آیند؛ و به واسطه عبادت و بندگی او از عبادت و بندگی غیر او بی‌نیاز می‌گردند.

از امام حسین سؤال می‌کنند:

«فَقَالَ لَهُ رَجُلٌ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ بِأَبِي أَنْتَ وَ أُمِّي، فَمَا مَعْرِفَةُ اللَّهِ؟

در این حال مردی گفت: ای پسر رسول خدا! معرفت خداوند عزوجل چیست؟



حضرت فرمود:

قَالَ مَعْرِفَةُ أَهْلِ كُلِّ زَمَانٍ إِمَامَهُمُ الَّذِي يَجِبُ عَلَيْهِمْ طَاعَتُهُ»

حضرت فرمود: معرفت و شناخت اهل هر زمان، یعنی شناخت امامشان که اطاعت و پیروی از او برای

آنها واجب شده است.»

علل الشرایع، ابن بابویه، محمد بن علی، شیخ صدوق، ج ۱ ص ۹، باب ۹، ح ۱

راه شناختن خدا، شناختن امام معصوم است. همچنانکه در زیارت جامعه کبیره می‌خوانیم:

«مَنْ أَرَادَ اللَّهُ بِدَأْ بِكُمْ وَمَنْ وَحَدَهُ قَبْلَ عَنكُمْ وَمَنْ قَصَدَهُ تَوَجُّهَ بِكُمْ»

بحار الأنوار، نویسنده: مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، محقق / مصحح: جمعی از محققان، ج ۹۹،

ص ۱۳۱، ح ۴

هرکسی می‌خواهد در خانه خداوند برود، باید از در خانه ائمه اطهار شروع کند.

«بِنَا عِبْدَ اللَّهِ وَبِنَا عُرْفَ اللَّهِ وَبِنَا وَحْدَ اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى وَمُحَمَّدٌ حِجَابُ اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى»

الکافی، نویسنده: کلینی، محمد بن یعقوب، محقق / مصحح: غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد، ج ۱،

ص ۱۴۵، ح ۱۰

کسی که می‌خواهد خدا را بشناسد و توحید درست داشته باشد، باید از کانال ائمه اطهار عبور کند.

ان شاءالله عزیزان ما در این شبها به ویژه شبهای قدر تلاش کنند این قسمت معرفت به امام که در حقیقت

مقدمه‌ای از معرفت الله و مقدمه‌ای از عبادت صحیح خداوند عالم هست را بالا ببرند. من یک جمله هم بگویم و

عرایض را تمام کنم تا ان شاءالله مشغول قرآن به سر گرفتن باشیم.

## راه میان‌بر برای معرفت امام

در این مزار مقدس، امامزاده ابراهیم و امامزاده محمد که درود خداوند بر هردو این بزرگواران باد، مدفون هستند. اینها نعمتهای الهی برای ما هستند لذا باید تلاش کنیم این بزرگواران را بین خودمان و خدای عالم واسطه قرار بدهیم تا شفیع ما در دنیا و آخرت باشند.

عزیزان من به شما توصیه می‌کنم به کتاب «مفاتیح الجنان» توجه کنید. می‌خواهم یک راه میان‌بر برای معرفت امام به شما معرفی کنم تا ببینید جایگاه امام چیست.

یکی از این راه‌ها زیارت جامعه کبیره است. وقتی «حاج علی بغدادی» خدمت حضرت ولی عصر می‌رسد، حضرت به او می‌فرماید: چرا زیارت جامعه کبیره نمی‌خوانی؟ جامعه، جامعه، جامعه! زیارت جامعه کبیره یک دنیا معرفت‌الامام و امام شناسی است.

راه دیگر اینکه در کتاب «مفاتیح الجنان» در مورد زیارت امام حسین زیارات مخصوصی وارد شده است؛ زیارت عاشورا، زیارت شب عرفه و زیارات دیگر. در این کتاب حدود هفت زیارت هم به عنوان زیارات مطلقه امام حسین وارد شده است.

در اولین زیارت مطلقه عبارت بسیار زیبایی وارد شده است. «مرحوم کلینی» در کتاب «کافی» و «مرحوم شیخ» در کتاب «تهذیب الأحکام» و «شیخ صدوق» در کتاب «من لا یحضره الفقیه» جلد ۲ صفحه ۵۹۸ این زیارت را آورده‌اند.

«شیخ صدوق» می‌گوید: این زیارت از نظر سند از همه روایات معتبرتر است. حضرت در این زیارت گوشه‌ای از معرفت‌الامام را بالا زده است.

«مَنْ أَرَادَ اللَّهُ بِدَأْ بِكُمْ [مَنْ أَرَادَ اللَّهُ بِدَأْ بِكُمْ] - بِكُمْ يَبِينُ اللَّهُ الْكُذِبَ وَ بِكُمْ يَبَاعِدُ اللَّهُ  
الزَّمَانَ الْكَلِبَ وَ بِكُمْ فَتَحَ اللَّهُ وَ بِكُمْ يَخْتِمُ اللَّهُ»

مفهوم این فراز از زیارت این است که اگر یک گرفتار بخواهد گرفتاری اش برطرف شود توسط شما صورت می‌گیرد. اگر گنهکاری بخواهد گناهش آمرزیده شود، باید شما بخشش گناه او را امضاء کنید. تا جایی که می‌فرماید:

«إِزَادَةُ الرَّبِّ فِي مَقَادِيرِ أُمُورِهِ تَهَيِّطُ إِلَيْكُمْ وَ تَضُرُّ مِنْ بُيُوتِكُمْ»

اراده الهی بر قلب مقدس شما نازل می‌شود و از آنجا صادر می‌شود.

کامل زیارات، نویسنده: ابن قولویه، جعفر بن محمد، محقق / مصحح: امینی، عبد الحسین، ص ۱۹۹ و

۲۰۰، ح ۲

یعنی هرآنچه در عالم هستی بخواهد صورت بگیرد، توسط شما بزرگواران است. آیت الله العظمی خوئی در بحث ولایت ائمه اطهار می‌فرماید:

«لهم الولاية المطلقة على ما سوى الله»

امام ولایت مطلقه بر کل ما سوی الله دارند.

ذکر مصیبت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه)

همین اندازه بس است. حال در خانه امیرالمؤمنین برویم. روزهای آخر عمر علی است و هرشب در خانه یکی از عزیزانش به افطاری می‌رود. امشب نوبت دختر نازدانه اش ام کلثوم بود.

حضرت افطار کرد و مشغول عبادت شد. حضرت دائماً به حیاط می‌رود آسمان را نگاه می‌کند، سپس برمی‌گردد و می‌فرماید: امشب همان شبی است که خداوند عالم به من وعده داده است.

علی خواب و آرامش ندارد. هنگام سحر وقتی که حضرت می‌خواست به مسجد برود، با توجه به مسائلی که حضرت در شب مطرح کرده است قلب دختر غمگین شده است. دختر است دیگر، علاقه خاصی به پدر دارد. حضرت أم کلثوم فرمود: پدرجان! امکان دارد امشب کسی دیگر را بفرستید تا به جای خودتان در مسجد نماز بخواند؟ حضرت فرمود: خیر، امشب همان شبی است که پیغمبر اکرم به من وعده داده است. وعده رسول الله همین امشب است.

وقتی که امیرالمؤمنین می‌خواستند از منزل بیرون بروند، مرغابی‌ها جلوی حضرت آمدند و شروع به صدا کردند. اهل خانه می‌خواستند مرغابی‌ها را کنار بزنند، اما حضرت فرمود: دست نزنید.

### لَمَّا سَمِعَ صِيَاخَ الْإِوْزِ فِي الدَّارِ صَوَائِحُ تَتَّبِعُهَا نَوَائِحُ

این حیوانات صیحه می‌زنند، اما بعد از چند لحظه همین حیوانات در مصیبت من ناله خواهند کرد..

الكافي (ط - الإسلامية)، كليني، محمد بن يعقوب بن اسحاق، محقق / مصحح: غفاري علي اكبر و

آخوندی، محمد، ناشر: دار الكتب الإسلامية، تهران، ۱۴۰۷ ق؛ ج ۱، ص: ۲۵۹، ح ۴

این حرف بدان معنی است که حتی حیوانات هم در مصیبت امام متأثر هستند و ناله می‌کنند ولی ما نمی‌فهمیم.

حضرت به مسجد می‌آید. عزیزان می‌دانند که چه گذشت و چه اتفاقاتی افتاد. حضرت مشاهده کردند «عبدالرحمن بن ملجم مرادی» دمر خوابیده است و به او فرمودند: این چنین خواب که خواب شیاطین است. نزدیک است آن نیت شومی که داری لباس عمل بیوشد.

حضرت همگان را برای نماز بیدار کردند و در محراب عبادت قرار گرفتند. دوستان عزیز ما نمی‌دانیم چه اتفاقی افتاد که یک موقع دختر علی نگران و مضطرب بود و انتظار می‌کشید پدرش زودتر نماز بخواند و به منزلش برگردد.

أم کلثوم به فکر مصائبی بود که پدر آن شب مطرح می‌کرد، اما یک موقع شنید صدای جبرئیل در بین آسمان و زمین بلند شد. امام صادق می‌فرماید تمام مردم کوفه شنیدند که صدایی بلند شد و گفت:

«تَهْدَمَتْ وَ اللَّهُ أَرْكَانُ الْهُدَى وَ انْطَمَسَتْ وَ اللَّهُ نُجُومُ السَّمَاءِ وَ أَعْلَامُ التُّقَى وَ انْفَصَمَتْ وَ اللَّهُ الْعُرْوَةُ الْوُثْقَى  
قُتِلَ ابْنُ عَمِّ مُحَمَّدٍ الْمُصْطَفَى قُتِلَ الْوَصِيُّ الْمُجْتَبَى قُتِلَ عَلِيُّ الْمُرْتَضَى قُتِلَ وَ اللَّهُ سَيِّدُ الْأَوْصِيَاءِ قَتَلَهُ  
أَشَقَى الْأَشْقِيَاءِ»

بحار الأنوار، نویسنده: مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، محقق / مصحح: جمعی از محققان،

جبرئیل فرمود: پسر عم پیغمبر اکرم را کشتند و افضل اوصیاء را شهید کردند. وقتی که أم کلثوم این صدا را شنید، ناله زد: وا علیاه! وا امیر المؤمنیناه! وا جداه!

أم کلثوم دوان دوان به طرف منزل امام حسن و امام حسین آمد و عرضه داشت: ببینید جبرئیل چه صدایی می‌زند. امام حسن فرمود: خواهرم ناله را کم کن تا ببینم چه خبر است.

وقتی امام حسن و امام حسین ناله جبرئیل را شنیدند، دوان دوان به مسجد آمدند و دیدند: مردم کنار محراب ایستاده‌اند، در حالی که گریه می‌کنند و ناله می‌زنند و «وا علیاه» می‌گویند.

مردم می‌خواهند علی را بلند کنند، اما امیرالمؤمنین طاقت بلند شدن ندارد. امام حسن مجتبی جلو افتاد و نماز را خواند و سر پدر را بر زانو گرفت و زار زار گریه کرد.

قطرات اشک امام حسن مجتبی بر روی صورت امیرالمؤمنین نشست. علی یک لحظه متوجه شد و فرمود:  
پسرم چرا گریه می‌کنی؟ الآن رسول الله و مادرت زهرا و جدات خدیجه به استقبال من آمدند.

امیرالمؤمنین دید امام حسن ناراحتی و گریه می‌کند، به همین خاطر فرمود: حسن جان! گریه نکن. بعد از من  
تو را با سم شهید خواهند کرد و برادرت حسین را مظلومانه با لب عطشان شهید خواهند کرد.

نمی‌دانم در محراب و مسجد چه گذشت، اما امیرالمؤمنین فرمود: مرا تا منزل حمل کنید. حضرت را داخل  
حصیری آوردند، اما حضرت نزدیک خانه فرمود: حسن جان! بگذار با پای خودم بروم. دوست ندارم زینب مرا در  
این حال ببیند.

یا امیرالمؤمنین! حاضر نشدی که دخترت زینب تو را با آن حال ببیند، اما کربلا نبودی که ببینی لحظه آخر زینب  
بالای تل زینبیه آمد و خواست بالای سر حسین بیاید، اما دید اطراف حسین را گرفته‌اند و با شمشیر و نیزه و  
چوب و سنگ می‌زنند.

سپس رو به طرف مدینه کرد و عرضه داشت: «یا جداه! یا محمداه! هذا حسینک مرمّل بالدماء، مقطّع اعضاء». حضرت زینب جمله‌ای به زبان آورد که قلب انسان را کباب می‌کند. حضرت صدا زد:

**«یا جداه! بناتک الأساری»**

یا جداه! دختران تو را به اسارت می‌برند.

على لعنة الله على القوم الظالمين و سيعلم الذين ظلموا أي منقلب ينقلبون

**مراسم معنوی قرآن به سر گرفتن**

روایتی از امام باقر (علیه السلام) وارد شده است که «مرحوم سید» در کتاب «إقبال الأعمال» جلد اول صفحه  
۱۸۶ آورده است.

در این روایت که از قول امام باقر (علیه السلام) است وارد شده است که در این سه شب قرآن را باز کنید و جلوی خودتان قرار دهید و این جمله:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِكِتَابِكَ الْمُنَزَّلِ»

را بخوانید. از امام صادق (علیه السلام) وارد شده است که قرآن را به سر بگیرید و:

«اللَّهُمَّ بِحَقِّ هَذَا الْقُرْآنِ»

را بخوانید. بنابراین ان شاءالله عزیزان ما قرآن را باز کنند، در جلوی صورتشان قرار بدهند و این جمله امام باقر را زمزمه کنند.

«استغفر الله ذوالجلال و الاکرام و أتوب اليه»

قبل از اینکه شروع کنیم چند مرتبه این جمله را بگوییم:

«الهی العفو»، «بولاية على الهی العفو»، به فرق شکافته علی «الهی العفو»، به جمله «فزت و رب الکعبه» علی،  
الهی العفو»

حال قرآن‌ها را جلوی صورت قرار دهید و بگویید:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِكِتَابِكَ الْمُنَزَّلِ وَ مَا فِيهِ وَ فِيهِ اسْمُكَ الْأَعْظَمُ الْأَكْبَرُ وَ أَسْمَاؤُكَ الْحُسْنَى وَ مَا يَخَافُ وَ

يَرْجَى أَنْ تَجْعَلَنِي مِنْ عِتْقَائِكَ [طَلْقَائِكَ] مِنَ النَّارِ وَ تَدْعُو بِمَا بَدَا لَكَ مِنْ حَاجَةٍ»

قرآن‌ها را به سر بگیرید و جمله امام صادق را زمزمه کنید:

«اللَّهُمَّ بِحَقِّ هَذَا الْقُرْآنِ وَ بِحَقِّ مَنْ أَرْسَلْتَهُ بِهِ وَ بِحَقِّ كُلِّ مُؤْمِنٍ مَدَّخْتَهُ فِيهِ وَ بِحَقِّكَ عَلَيْهِمْ فَلَا أَحَدَ أَعْرِفُ

بِحَقِّكَ مِنْكَ»

حال خدا را به ذات اقدسش سوگند می‌دهیم و عرضه می‌داریم:

«بِك يَا اللَّهُ»

حال به سراغ اشرف خلایق و افضل انبیاء برویم؛

«بِمُحَمَّدٍ»

به سراغ امیرالمؤمنین برویم و ببینیم امشب در خانه امیرالمؤمنین چه خبر است!

«بِغُلِيِّ»

به سراغ حضرت صدیقه طاهره برویم. حضرت فاطمه در این لحظات منتظر آمدن امیرالمؤمنین است؛

«بِفَاطِمَةَ»

به سراغ امام حسن مجتبی برویم؛

«بِالْحَسَنِ»

به سراغ شهید کربلا امام حسین برویم. آقایی که از حضرت آدم تا پیغمبر خاتم همگان در مصیبت او گریه

کردند. امام حسن (علیه السلام) فرمود:

«لَا يَوْمَ كَيَوْمِك يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ»

بحار الأنوار، نویسنده: مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، محقق / مصحح: جمعی از محققان، ج ۴۵،

ص ۲۱۸، ح ۴۴



«بِالْحُسَيْنِ»

«بِعَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ»

«بِمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ»

«بِجَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ»

به سراغ امام موسی کاظم برویم. بزرگواری که هفت سال از این زندان به آن زندان و از این ظالم گرفتار ظالم دیگر می‌شدند.

«بِمُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ»

به سراغ امام رئوف برویم؛

«بِعَلِيِّ بْنِ مُوسَى»

به سراغ جواد الائمه برویم. کسانی که گرفتاری خانوادگی دارند یا کسانی که مشکلات مالی و قرض دارند در خانه امام جواد برونند که حضرت جواد الائمه هست؛

«بِمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ»

«بِعَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ»

«بِالْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ»

به سراغ مولایمان بقیة الله الأعظم حضرت حجة بن الحسن برویم.

چه شود به چهره زرد ما نظری برای خدا کنی

به خدا قسم همه درد ما به یکی نظاره دوا کنی

یا بن الحسن! تو را به فرق شکافته امیرالمؤمنین سوگند می‌دهیم، تو را به مضطر میان در و دیوار سوگند می‌دهیم، تو را به مضطرات عاشورا سوگند می‌دهیم، تو را به مضطر میان سم اسبان سوگند می‌دهیم، تو را به عمه جانت حضرت زینب کبری سوگند می‌دهیم.

آقا جان نظر عنایتی به ما کن و میان ما و خدا واسطه باش و برای گناهان ما را از خداوند عالم طلب مغفرت کن و حوائج ما را از خداوند عالم بخواه تا برآورده کند و در دنیا و آخرت ما را از شما جدا نکند. همه با حضور قلب بگوییم:

### «بِالْحُجَّةِ»

إقبال الأعمال، نویسنده: ابن طاووس، علی بن موسی، ج ۱، ص ۱۸۶ و ۱۸۷، باب ذکر نشر المصحف

### الشریف و دعائه

خدایا تو را به آبروی حضرت محمد و آل محمد سوگند می‌دهیم، خدایا تو را به عزت و جلالت سوگند می‌دهیم فرج مولایمان حضرت ولی عصر نزدیک بفرما. خدایا به آبروی حضرت حجة بن الحسن و اجداد طاهرینش ما را از یاران خاص و سربازان فداکارش قرار بده.

خدایا تو را به این انوار پاک سوگند می‌دهیم انقلاب ما را به انقلاب جهانی حضرت بقية الله الأعظم متصل بفرما. خدایا خدمتگزاران به اسلام و قرآن و اهلبیت مخصوصاً مقام معظم رهبری موفق و مؤید بدار.

خدایا به حضرت محمد و آل محمد تو را سوگند می‌دهیم رفع گرفتاری از همه گرفتاران بنما. خدایا مجاهدین ما در سراسر جهان به ویژه در یمن به آبروی محمد و آل محمد نصرت نهایی عنایتشان بفرما.

خدایا دشمنان ما در داخل و خارج کشور اگر قابل هدایت نیستند محو و نابود و رسوا و مضمحلشان بگردان.

الهی به حق محمد و آل محمد رحمتت را بر ملت ما نازل بگردان. خدایا هرگونه بلا را از ملت ایران برطرف بفرما.

خدایا مشکلات اقتصادی که برای ما پیش آورده‌اند را به آبروی جواد الائمه این مشکلات را به دست توانای حضرت ولی عصر برطرف بفرما. خدایا خیر دنیا و آخرت به ما ارزانی بدار. خدایا شر دنیا و آخرت را از ما برطرف ساز.

الهی آنچه به ذهن ما آمد دعا کردیم و چه بسا حوائجی به صلاح ما بود که به زبان ما نیامد. خدایا به حق محمد و آل محمد آنچه صلاح دین و دنیا و آخرت ماست به ما کرم فرما. خدایا آنچه موجب فساد دین و دنیا و آخرت ماست از ما برطرف کن و دعاهای ما به اجابت برسان.

هدیه به ارواح پاک انبیاء، اولیاء، شهداء، صدیقین، صالحین بالاخص امام راحل رحم الله من قرأ الفاتحة مع الصلوات.

والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته